آسیب‌های سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی در اقتصاد ایران

تضاد نولیبرالیسم با اقتصاد تحریمی

گروه اقتصادی: در سال‌های اخیر، نقدهای گسترده‌تری نسبت به سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر الگوهای نولیبرالی و نسخه‌های پیشنهادی نهادهایی مانند بانک جهانی در محافل دانشگاهی و کارشناسی ایران مطرح شده است. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند استمرار سیاست‌هایی چون آزادسازی قیمت‌ها، کوچک‌سازی دولت و کاهش حمایت‌های اجتماعی نه‌تنها کمکی به رفع بحران‌های اقتصادی کشور نکرده، بلکه با تشدید فقر، گسترش نابرابری و آسیب به زیرساخت‌های تولیدی، باری سنگین بر دوش اقتصاد ایران گذاشته است.

یکی از محورهای اصلی این نقدها، تجربه ناموفق خصوصی‌سازی در دهه‌های گذشته است؛ دورانی که با هدف کاهش بار مالی دولت و ارتقای بهره‌وری، بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی واگذار شد. این روند واگذاری اما اغلب با شتاب و بدون فراهم آوردن زیرساخت‌های نظارتی مناسب انجام شد و نتیجه آن ورشکستگی برخی واحدها و خروج دارایی‌ها از چرخه تولید پس از فروش بود. این رخدادها آشکارا نشان می‌دهد خصوصی‌سازی بی‌برنامه، آن هم بر اساس توصیه‌های کلی بانک جهانی، نه‌تنها دستاوردی نداشته، بلکه موجب ضعف در ظرفیت‌های صنعتی و تولیدی کشور شده است.

از سوی دیگر، مسأله قیمت‌گذاری در اقتصاد ایران با توجه به ساختار یارانه‌ای بسیاری از کالاهای تولیدی، یک ابزار متعارف و تا حد زیادی ضروری تلقی می‌شود. در شرایطی که کشور با تحریم‌های سخت، کمبود سرمایه‌گذاری خارجی و محدودیت‌های جدی مالی مواجه است، حذف قیمت‌گذاری دولتی نه‌تنها برخلاف عدالت اجتماعی عمل می‌کند، بلکه می‌تواند به بروز شوک‌های قیمتی و شکل‌گیری نارضایتی‌های عمومی منجر شود. با وجود این شرایط خاص اقتصادی، بانک جهانی همچنان بر آزادسازی قیمت‌ها و گسترش خصوصی‌سازی تأکید می‌ورزد؛ در حالی که خود نقشی در تأمین مالی این سیاست‌ها یا ایجاد زیرساخت‌های پشتیبان برای اجرای آنها در ایران نداشته است.

بنابراین می‌توان گفت رویکردهای تحمیلی این نهاد بین‌المللی، نه‌تنها پشتوانه‌ای در اجرا نداشته‌اند، بلکه در عمل بیش از آنکه عامل پیشرفت باشند، به عاملی برای تضعیف مسیر توسعه و پایداری اقتصادی کشور بدل شده‌اند. تجربه عملی ایران گواه آن است که نسخه‌های آماده و وارداتی، بدون توجه به ویژگی‌های داخلی، نه‌تنها سودمند نیستند، بلکه می‌توانند پایه‌های اقتصادی ملی را با خطر مواجه کنند.

در کنار این انتقادات، پرسشی مهم نیز مطرح می‌شود: چرا با وجود نتایج ناکام، این نسخه‌های اقتصادی همچنان در دستور کار قرار دارند؟ پاسخ این پرسش را شاید بتوان در لایه‌های ساختاری حکومت و گروه‌های ذی‌نفعی جست‌وجو کرد که از استمرار این سیاست‌ها سود می‌برند و نسبت به تبعات اجتماعی و اقتصادی آن بی‌تفاوتند.

واقعیت آن است که سیاست‌هایی چون آزادسازی قیمت‌ها یا واگذاری دارایی‌های دولتی، بدون در نظر گرفتن شرایط واقعی اقتصاد ایران و مقدمات لازم برای یک گذار موفق، اجرا شده‌اند. اقتصادی که با تحریم‌های گسترده، ضعف در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، فرسایش زیرساخت‌های تولیدی و ناترازی مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند، نمی‌تواند بدون ابزارهای حمایتی مانند یارانه‌ها یا کنترل قیمت، به پایداری و عدالت اقتصادی برسد. حذف این ابزارها در چنین فضایی، بیش از آنکه منطقی باشد، منجر به گسترش شکاف‌های اجتماعی و ضربه به طبقات مولد خواهد شد.

در همین زمینه حسین راغفر، استاد نام‌آشنای اقتصاد در دانشگاه الزهرا، به عنوان یکی از منتقدان صریح الگوی نولیبرالی در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، تلاش کرده با بررسی‌های خود ریشه‌های این سیاست‌ها را در ایران شناسایی و پیوندشان را با نسخه‌های تحمیلی بانک جهانی برجسته کند. او بر این باور است یکی از موانع جدی بر سر راه اصلاحات اقتصادی وجود یک «ائتلاف پنهان» در ساختار دولت است؛ مجموعه‌ای غیررسمی اما قدرتمند از ذی‌نفعانی که حفظ وضعیت فعلی را تضمین‌کننده منافع خود می‌دانند.

بر اساس گفته‌های راغفر، در جریان بحران بدهی جهانی در سال ۱۳۶۱، ایران دومین کشور بدهکار جهان پس از برزیل شناخته شد. بانک جهانی و سایر نهادهای مالی غربی به جای پذیرش شکست سیاست‌های پیشین، بسته‌ای از برنامه‌ها تحت عنوان «تعدیل ساختاری» را بر کشورهای بحران‌زده تحمیل کردند؛ برنامه‌هایی که در ظاهر هدف‌شان اصلاحات اقتصادی بود اما در عمل بستری برای انتقال منابع از کشورهای در حال توسعه به مراکز قدرت جهانی فراهم آوردند. حتی در گزارش رسمی بانک جهانی در سال ۱۳۷۲، با وجود اذعان به ناکارآمدی این سیاست‌ها، تغییری در مسیر آنها ایجاد نشد.

راغفر در ادامه به تجربه نفوذ کارشناسان بانک جهانی در تدوین سیاست‌های اقتصادی ایران در دهه ۷۰ اشاره و عنوان کرده است: این گروه توصیه کردند قیمت برق ایران ۱۰ برابر شود؛ اقدامی که گرچه در ظاهر فنی بود اما با هدف ایجاد نارضایتی عمومی طراحی شده بود. نکته قابل تأمل اینکه رئیس آن تیم مشورتی بعدها به عنوان وزیر اقتصاد رژیم صهیونیستی منصوب شد؛ موضوعی که نشان می‌دهد آن برنامه‌ها صرفاً فنی نبوده، بلکه اهداف سیاسی و راهبردی نیز در آن دخیل بوده‌اند.

در پاسخ به پرسش مهمی مبنی بر اینکه چرا به‌رغم تغییر دولت‌ها، سیاست‌های نئولیبرالی همچنان پابرجا هستند، راغفر چنین توضیح می‌دهد: یک ائتلاف نانوشته و قدرتمند از ذی‌نفعان در سطوح مختلف حاکمیتی شکل گرفته که با بهره‌برداری از منابع عمومی و حفظ امتیازات خاص، در برابر هرگونه اصلاح و تحول مقاومت می‌کنند. سبک زندگی اشرافی، استفاده از خودروهای لوکس و سکونت در مسکن‌های گران‌قیمت، در تضاد کامل با واقعیت زندگی اکثریت مردم قرار دارد؛ مردمی که از منابع و فرصت‌های عمومی بی‌بهره‌اند.

راغفر در بیان یکی از تجربیات خود، به دیدارش با رئیس‌جمهور، آقای پزشکیان، اشاره و روایت می‌کند که در پاسخ به وضعیت کشور، ایشان صادقانه اذعان داشتند که «اوضاع بدتر شده». اگرچه نیت دولت پیشین مورد اعتراض قرار نگرفت اما خیلی سریع پس از آغاز دولت جدید، همان شبکه ذی‌نفعان قدرتمند، فضای سیاست‌گذاری را محاصره کرد و با تکرار شعار معروف «راهی جز این نیست»، مانع هر نوع تغییر در مسیر اقتصادی کشور شد؛ شعاری که ریشه در آموزه‌های مدرسه اقتصادی شیکاگو و اندیشه‌های مارگارت تاچر دارد. برخی دانشگاه‌ها، تحت سلطه نظریات ناکارآمد نئوکلاسیک، نسل جدیدی از اقتصاددانان را آموزش می‌دهند که به جای خدمت به منافع ملی، دنباله‌رو نسخه‌هایی هستند که با واقعیت‌های اقتصاد ایران سازگاری ندارند.



رسانه‌ها نیز به جای آنکه بستر تبادل آزاد اندیشه‌ها و نقد علمی باشند، اغلب روایت‌های تحریف‌شده از تاریخ و واقعیات اقتصادی را در اختیار مردم قرار می‌دهند. این ۲ نهاد، در کنار هم، مانعی جدی بر سر راه تحول اقتصادی، شفافیت و شکل‌گیری تفکر مستقل و بومی هستند.

آنچه روشن است، این است که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به بازنگری بنیادین در اصول سیاست‌گذاری نیاز دارد. نسخه‌های تحمیلی، بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های داخلی و الزامات خاص کشور، نمی‌توانند راهگشا باشند. اصلاحات واقعی تنها زمانی شکل خواهد گرفت که به جای تقلید کورکورانه از مدل‌های خارجی، مسیر توسعه بر اساس واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران ترسیم شود، نهادهای ملی تقویت شوند و ظرفیت‌های بومی مبنای سیاست‌گذاری قرار گیرند.

با توجه به آنچه تاکنون مطرح شده، مسیر اصلاحات اقتصادی در ایران تنها زمانی می‌تواند ثمربخش و پایدار باشد که از تقلید صرف مدل‌های ناکارآمد بیرونی فاصله گرفته و به سمت بازطراحی بومی سیاست‌ها حرکت کند. این مهم مستلزم دگرگونی در چند سطح حیاتی است: بازنگری در نظام سیاست‌گذاری، تحول در آموزش و تولید دانش اقتصادی و احیای نقش نظارتی و هدایتگر دولت در حمایت از اقشار مولد و آسیب‌پذیر.

در این چارچوب، نخست باید به بازتعریف نقش دولت پرداخت. تجربه جهانی و داخلی نشان داده دولت‌های موفق در کشورهای توسعه‌یافته، نه با حذف خود از اقتصاد، بلکه با هدایت هوشمندانه منابع، حمایت از سرمایه‌گذاری‌های مولد و ایجاد زیرساخت‌های فراگیر، توانسته‌اند رشد اقتصادی را با عدالت اجتماعی تلفیق کنند. در ایران نیز، صرف کوچک‌سازی ساختار دولت، بدون بازآفرینی مأموریت‌های توسعه‌ای آن، نه‌تنها از بار اقتصادی نمی‌کاهد، بلکه شکاف‌های نهادی و اجتماعی را تشدید می‌کند.

دوم، تحول در آموزش عالی و نظام پژوهشی کشور امری ضروری است. دانشگاه‌ها باید به جای تکرار آموزه‌های نئوکلاسیک، فضایی برای پرورش اندیشه‌های انتقادی، بومی‌سازی مفاهیم اقتصادی و شکل‌گیری دیدگاه‌های نو درباره توسعه پایدار فراهم کنند. این تغییر، تنها با دگرگونی در ساختار آموزشی و بازنگری در محتوای درسی حاصل خواهد شد؛ فرآیندی که نیازمند اراده سیاسی، مشارکت نخبگان و حمایت رسانه‌های مستقل است.

سوم، بازسازی اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و اجتماعی یک ضرورت بنیادین است. سال‌ها اجرای سیاست‌های ناکارآمد، موجب بی‌اعتمادی گسترده در جامعه شده و بسیاری از شهروندان نسبت به شعارهای اصلاحی بدبین هستند. برای احیای این اعتماد باید سیاست‌گذاران به صورت شفاف درباره اهداف، مخاطرات و پیامدهای تصمیمات اقتصادی سخن بگویند، نهادهای مستقل نظارتی را تقویت و از تک‌صدایی رسانه‌ای پرهیز کنند.

بررسی چالش‌های روابط کارگر و کارفرما در مواجهه با حوادث کاری

رونق تولید منوط به ایمنی کارگر

گروه اقتصادی: پایداری اشتغال کارگران نقش مهمی در تقویت تولید در زمان تحریم و تنش‌ها دارد، به همین دلیل ایمنی و سلامت محیط کار به عنوان ارکان اساسی توسعه صنعتی در اقتصادهای نوین باید مورد توجه قرار گیرد. در شرایطی که تعامل میان کارگر و کارفرما نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری تولید و بهره‌وری دارد، بی‌توجهی به مخاطرات شغلی و پیامدهای آن، نه‌تنها نیروی انسانی را آسیب‌پذیر می‌کند، بلکه آثار منفی گسترده‌ای بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه برجا می‌گذارد. در سال‌های اخیر، انتشار گزارش‌ها و شواهد مختلف از رفتارهای ناعادلانه برخی کارفرمایان در قبال کارگران آسیب‌دیده، ضرورت بازنگری در سیاست‌های ایمنی و روابط کاری را نمایان کرده است. بر همین اساس، اجرای طرحی نوین در حوزه ایمنی محیط‌های کاری، باید برای تغییر این وضعیت مد نظر قرار گیرد.

یکی از چالش‌های جدی روابط کارگر و کارفرما، نحوه مواجهه با حوادث کاری و بیماری‌های مرتبط با محیط کار است. کارفرمایان در لحظات اولیه وقوع حادثه یا بیماری، مانند تماس با مواد شیمیایی، ممکن است هزینه‌های درمان اولیه را تقبل کنند اما در ادامه با صدور حکم پایان کار، سعی می‌کنند از ادامه مسؤولیت‌های خود نسبت به کارگر آسیب‌دیده شانه خالی کنند. این رفتار، مصداق آشکار بی‌عدالتی اجتماعی است و چالش‌های اقتصادی، روانی و اجتماعی سنگینی را متوجه کارگر و خانواده‌اش می‌کند.

این پدیده نشان‌دهنده فقدان نظام حمایتی بلندمدت در برخی ساختارهای سازمانی است. وابستگی کارگر به قراردادهای ناپایدار و نبود ضمانت اجرایی کافی برای حقوق کار، زمینه‌ساز آسیب‌پذیری مضاعف نیروی انسانی شده است. بی‌شک بدون اصلاح ساختاری و تقویت ضمانت‌های قانونی، این رفتارها دوباره تکرار خواهند شد.

از دست دادن منبع درآمد، افزایش بار روانی خانواده و کاهش مشارکت اجتماعی فرد آسیب‌دیده، بخشی از تبعات این رویکرد نامتعهدانه کارفرمایان است. بنابراین، تقویت چارچوب‌های قانونی و اجرایی برای الزام کارفرمایان به پذیرش مسؤولیت‌های بلندمدت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

محور عدالت در روابط کار، نه فقط شامل پرداخت‌های اولیه، بلکه متضمن حفاظت از کرامت انسانی و تداوم حمایت از کارگر تا بازتوانی کامل است. قانون باید از ساختار مجازات و مشوق بهره گیرد تا رفتار مسؤولانه را نهادینه کند.

در همین راستا وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی طرحی جدید در حوزه ایمنی محیط کار تدوین کرده که هدف آن، کاهش حوادث شغلی و تقویت فرهنگ مسؤولیت‌پذیری در میان کارفرمایان است. اجرای این طرح با همکاری دفاتر خدمات سلامت وزارت بهداشت و تمرکز بر آموزش‌های ایمنی و افزایش بازرسی‌ها انجام خواهد شد، تا محیطی سالم و ایمن برای کارگران فراهم شود؛ جایی که پیشگیری جایگزین واکنش‌های مقطعی شود. این رویکرد نشان می‌دهد که تمرکز دولت از واکنش پس از حادثه به پیشگیری فعالانه تغییر کرده است. آموزش مستمر و نظارت ساختاری، ۲ بال اصلی برای تحقق محیط‌های کاری ایمن و پایدار هستند.

در قالب این طرح، اقداماتی از جمله اصلاح دستورالعمل‌ها، تدوین استانداردهای ایمنی و بهره‌گیری از تجربیات نهادهای تخصصی در دستور کار قرار گرفته است. سازمان تأمین اجتماعی نیز با تأکید بر نجات انسان از مخاطرات شغلی، برای همکاری با وزارت کار در ارتقای بهداشت حرفه‌ای و ایمنی در محیط‌های کار اعلام آمادگی کرده است. چنین همکاری‌های بین‌بخشی، می‌تواند انسجام اجرایی و افزایش اثرگذاری در سیاست‌های ایمنی محیط کار را به همراه داشته باشد. ورود سازمان‌های بیمه‌گر به موضوع ایمنی محیط‌های کاری به معنای درک درست از ارتباط میان سلامت نیروی کار و کاهش هزینه‌های اجتماعی و درمانی است.

کارشناسان بر این باورند که پیشگیری از حوادث تنها به آموزش و نظارت ختم نمی‌شود، بلکه تغییر در نگرش کارفرمایان به مسؤولیت اجتماعی ضروری است. آنها باید محیطی ایمن، حمایت مؤثر هنگام بحران و همراهی تا بازگشت کامل کارگر را به‌عنوان استانداردهای حرفه‌ای خود بپذیرند. مسؤولیت اجتماعی کارفرمایان یک مفهوم اخلاقی نیست، بلکه یک سرمایه‌گذاری بلندمدت بر بهره‌وری وفاداری نیروی کار و اعتماد عمومی است. گذر از نگاه هزینه‌محور به نگاه انسان‌محور، کلید تحول در روابط کار است.

با اجرای این طرح و نهادینه‌سازی فرهنگ ایمنی و مسؤولیت‌پذیری، نه‌تنها از آسیب‌های فردی پیشگیری خواهد شد، بلکه بنگاه‌های اقتصادی نیز از نیروی انسانی پایدار، بهره‌وری بیشتر و اعتماد عمومی بالاتر بهره‌مند می‌شوند. این روند در نهایت به ارتقای سرمایه اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی نیروی کار و تضمین منافع ملی منجر خواهد شد.

ایمنی در محیط کار فراتر از یک الزام قانونی، یک ارزش استراتژیک برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است. بنگاه‌هایی که ایمنی را در اولویت قرار می‌دهند، در بلندمدت مزایای رقابتی پایدار کسب خواهند کرد. برنامه‌ریزی برای افزایش بازرسی‌های تخصصی و آموزش‌های گسترده، گام مهمی در بهبود کیفیت کار در بنگاه‌های کشور خواهد بود.

مطابق ماده ۶۰ قانون بیمه تأمین اجتماعی، حوادثی که حین انجام وظیفه و در نتیجه آن برای فرد بیمه‌شده رخ دهند، حوادث ناشی از کار محسوب می‌شوند. منظور از «حین انجام وظیفه» تمام زمان‌هایی است که کارگر در محل کار یا به دستور کارفرما در مأموریت خارج از محیط کار فعالیت دارد. تعریف دقیق «حین انجام وظیفه» در قانون، راهی برای تضمین شمول بیمه‌ای کامل نسبت به حوادث کاری است. این شفاف‌سازی قانونی باید از طریق آموزش عمومی در اختیار کارگران و نمایندگان صنفی قرار گیرد تا در مواقع بحران بتواند از حقوق خود دفاع کند. حوادث کاری تبعاتی فراتر از آسیب فیزیکی دارند؛ از جمله کاهش درآمد، فشار روانی بر خانواده و افت تعامل اجتماعی فرد آسیب‌دیده. مرگ، نقص عضو یا بیماری‌های مزمن، نه‌تنها فرد را آسیب‌پذیر می‌کنند، بلکه اثرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر چرخه‌های اجتماعی و اقتصادی کاملا قابل مشاهده است.

علاوه بر نظارت‌های تخصصی، کارفرمایان نقشی تعیین‌کننده در تأمین ایمنی محیط کار دارند و موظفند شرایطی ایمن و بهداشتی برای کارگران در محیط کار فراهم کنند. سازمان تأمین اجتماعی نیز با تأکید بر نجات جان انسان‌ها از مخاطرات شغلی، همکاری خود را با وزارت کار در ارتقای ایمنی محیط‌های کاری اعلام کرده است. مسؤولیت دوگانه ساختارهای دولتی و کارفرمایان باید در قالب تفاهم‌نامه‌های مشترک تقویت شود. نظارت رسمی زمانی مؤثر خواهد بود که مسؤولیت‌پذیری داوطلبانه کارفرما نیز در کنار آن شکل گرفته باشد. با وجود نظارت‌ها، خطاهای انسانی همچنان ممکن است به آسیب‌های شغلی منجر شوند، بنابراین تدوین و اجرای استانداردهای ایمنی الزامی است. این استانداردها نه‌تنها موجب ایمن‌سازی تولید داخل می‌شود، بلکه از ورود تجهیزات بی‌کیفیت به محیط‌های کاری جلوگیری می‌کند. رعایت استانداردها نیازمند الزام قانونی، سیستم‌های بازدارنده و پایش مستمر بازار است. وابستگی تولید به تجهیزات غیرایمن می‌تواند سلامت نیروی کار را به خطر بیندازد و هزینه‌های پنهانی برای اقتصاد ایجاد کند.

بر اساس نظر کارشناسان، پیشگیری از حوادث شغلی باید مبتنی بر آموزش‌های مداوم، تأمین تجهیزات مناسب، نظارت دقیق و ترویج فرهنگ ایمنی در محیط کار باشد. افزایش بازرسی‌ها نیز در شناسایی و رفع عوامل مخاطره‌آمیز تأثیر چشمگیری دارد. ایمنی شغلی جزو ارکان اصلی سند ملی «کار شایسته» و از راهبردهای کلیدی سازمان بین‌المللی کار محسوب می‌شود. اجرای طرح جدید وزارت کار، ضمن کاهش قابل توجه حوادث، تضمینی برای سلامت نیروی انسانی و بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی خواهد بود. سند «کار شایسته» باید از مرز تعهدات بین‌المللی فراتر رود و در سیاست‌گذاری داخلی به ابزار تحول واقعی در نظام روابط کار تبدیل شود. اجرای اثربخش این سند می‌تواند بستری برای عدالت اجتماعی، رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و پایداری توسعه کشور باشد.

برای اجرای طرح ایمنی وزارت کار، لازم است اقدامات تکمیلی جهت نظارت دقیق‌تر بر اجرای استانداردها و فرآیندهای بازرسی طراحی شود. شفاف‌سازی شاخص‌های ارزیابی عملکرد ایمنی در کارگاه‌ها، ایجاد سامانه‌های گزارش‌دهی و شکایت‌پذیری برای کارگران و ارتقای نقش نهادهای صنفی و مشورتی، می‌تواند بر روند اجرایی این سیاست‌ها اثرگذار باشد.

از سوی دیگر، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در پایش شرایط کاری مانند استفاده از حسگرهای ایمنی، سیستم‌های هشداردهنده و پلتفرم‌های یادگیری آنلاین برای آموزش‌های مستمر ایمنی، ظرفیت جدیدی برای نهادینه‌سازی فرهنگ پیشگیرانه فراهم می‌کند. این فناوری‌ها می‌توانند هزینه‌های نظارت را کاهش داده و در دسترس‌پذیری آموزش برای کارگران مناطق دورافتاده مؤثر باشند.

اخبار

بورس صعودی ماند

بازار سرمایه دیروز هفتمین رشد متوالی خود را تجربه کرد به طوری که شاخص کل با افزایش بیش از ۲۲ هزار واحد به رقم ۲ میلیون و ۸۲۴ هزار واحد رسید.

شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران که پس از ۲ هفته کاهش، از ابتدای هفته قبل روند صعودی به خود گرفته، روز گذشته نیز ۲۲ هزار و ۸۰۲ واحد رشد کرد و به رقم ۲ میلیون و ۸۲۴ هزار و ۳۱۷ واحد رسید.

در دومین روز هفته شاخص هم‌وزن نیز ۱۹۹۶ واحد افزایش داشت و روی عدد ۸۴۴ هزار و ۷۰۱ واحد ایستاد. دیروز تعداد سهام مثبت بورس ۱۴۷ عدد و سهام منفی ۱۳۲ عدد بود. تعداد خریداران به بیش از ۳۵ هزار نفر رسید. به طور کلی روز گذشته بازار سرمایه ۰٫۸۱ درصد افزایش داشت. همچنین دیروز ۳۰۲ هزار فقره معامله به ارزش حدود ۹۱۹۸ میلیارد تومان در بازار سهام انجام شد.

عمده کارشناسان معتقدند بازار سرمایه به لحاظ بنیادی شرایط مطلوبی دارد اما متغیرهای سیاسی، کمبود نقدینگی، عدم اعتماد سهامداران و فعالیت نوسان‌گیری تاکنون باعث شده بازار نتواند آنطور که باید و شاید رشد کند. با این حال، بورس تا قبل از ریزش‌های اخیر رکوردشکنی کرده و تا کانال ۳٫۲ میلیون واحد رشد کرده بود.

افت قیمت دلار و سکه با سیگنال‌های مثبت

بازار ارز و طلا که در هفته‌های اخیر تحت تأثیر نگرانی‌های ژئوپولیتیکی قرار داشت، دیروز با انتشار خبر گفت‌وگوهای قریب‌الوقوع ایران و اروپا، با کاهش قیمت مواجه شد. معاملات بازار ارز و سکه دیروز (یکشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۴)، در مسیر کاهش قرار گرفت، این در حالی است که طی هفته‌های گذشته بازار تحت تأثیر اخبار منفی منطقه‌ای قرار داشت اما با فروکش کردن فضای جنگی و مخابره اخباری از ناحیه سیاست خارجی، بازار وارد فاز آرامش نسبی شده است. بررسی قیمت‌ها در معاملات دیروز نشان می‌دهد دلار هرات در محدوده ۸۶ هزار و ۴۰۰ تومان معامله شده. دلار تهران نیز به ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان رسید که نسبت به روزهای گذشته کاهش نسبی دارد.

کارشناسان اقتصاد معتقدند انتشار خبر آمادگی ایران برای مذاکره با ۳ کشور اروپایی، مهم‌ترین عاملی بوده که باعث عقب‌نشینی نرخ ارز در بازار آزاد شده است. فضای روانی مثبت ناشی از احتمال کاهش فشارهای سیاسی و بین‌المللی، موجب افت انتظارات تورمی و کاهش معاملات سفته‌بازانه در بازار ارز شده است.

تغییر مسیر محموله‌های نفتی برزیل به سمت بازارهای آسیا

مدیرعامل پتروبراس اعلام کرد در واکنش به تعرفه‌های تازه آمریکا علیه برزیل، ممکن است صادرات نفت را از بازار آمریکا به بازارهای آسیایی و اقیانوسیه منتقل کند.

به نقل از رویترز، ماگدا چمبریارد، مدیرعامل شرکت نفت دولتی برزیل (پتروبراس) اعلام کرد به دلیل تعرفه‌های بالاتری که از سوی واشنگتن علیه برزیل اعلام شده، این شرکت ممکن است نفت خود را از بازار آمریکا به سمت بازارهای آسیا و اقیانوسیه تغییر مسیر دهد.

وی در نخستین گفته‌های عمومی خود درباره تعرفه ۵۰ درصدی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، هفته گذشته اعلام کرد، گفت: رقم صادرات نفت ما به آمریکا بالا نیست و به طور کلی خیلی نگران این موضوع نیستیم.

بر اساس داده‌های ۳ ماهه نخست سال، صادرات نفت خام پتروبراس به ایالات متحده تنها حدود ۴ درصد از کل محموله‌های نفتی این شرکت را تشکیل داده است. در همین حال تحلیلگران معتقدند حتی اگر برزیل صادرات نفت به آمریکا را متوقف کند، تأثیری قابل‌توجهی بر بازار آمریکا نخواهد داشت، زیرا این کشور آمریکای جنوبی تاکنون کمتر از ۳ درصد از نفت مصرفی ایالات متحده در سال ۲۰۲۵ را تأمین کرده است. سخنان چمبریارد در شرایطی مطرح شده که در برزیل هنوز مشخص نیست تعرفه‌های جدید آمریکا که قرار است از یکم اوت (دهم مرداد) اجرا شود، شامل نفت خام نیز خواهد شد یا خیر. نفت خام پیش‌تر از تعرفه‌های ۱۰ درصدی اعلام‌شده از سوی ترامپ معاف شده بود. در حوزه فرآورده‌های نفتی، صادرات پتروبراس به ایالات متحده در ۳ ماه نخست سال جاری میلادی حدود ۳۷ درصد از مجموع ۲۰۹ هزار بشکه در روز را تشکیل داده است، با این حال تحلیلگران اعلام کرده‌اند این حجم نیز در صورت لزوم می‌تواند به‌راحتی به بازارهای دیگر هدایت شود.

فراخوان برگزاری دومین تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خدمات راهبری، نگهداری، سرویس و تعمیر آسانسورهای ستادی وزارت صنعت، معدن و تجارت

جمهوری اسلامی ایران
وزارت صنعت، معدن و تجارت

وزارت صنعت، معدن و تجارت در نظر دارد خدمات راهبری، نگهداری، سرویس و تعمیر آسانسورهای ستادی خود را بر اساس شرایط و طرح قرارداد به شرکت های پیمانکاری واجد شرایط و تایید صلاحیت شده از سوی مراجع ذیربط با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۰۰۳۰۰۰۰۱۷ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید .

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: تا ساعت ۱۲:۰۰روز چهار شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت : ۰۸:۰۰ صبح روز یک شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه پس از بازگشایی پاکت‌ها (تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲) می باشد.

نوع تضمین شرکت در مناقصه: تضامین های موضوع بند الف (ضمانت نامه بانکی و ضمانت‌نامه‌های صادره از سوی موسسات اعتباری غیربانکی مورد تایید بانک مرکزی).

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف :

آدرس: تهران، خیابان شهید استاد نجات الهی، خیابان شهید کلانتری، ساختمان شهید الهی، پلاک ۷۵، وزارت صنعت، معدن و تجارت، اداره امور قراردادها و مناقصات - تلفن ۸۸۹۰۵۳۲۴- ۰۲۱

اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :

مرکز تماس: ۱۴۶۵ - ۰۲۱

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سامانه www.setadiran.ir موجود است.

لازم به ذکر است که اصل ضمانت نامه (پاکت الف) می باید حسب شرایط، ضوابط و زمان بندی مناقصه در پاکت دربسته به اداره امور قراردادها و مناقصات وزارت صنعت، معدن و تجارت به نشانی فوق الذکر تحویل گردد.

میم الف ۱۳۹۵ — شناسه آگهی: ۱۹۶۸۰۵۴